

بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی نسبت به موضوع تحول در علوم انسانی (مورد مطالعه: دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم)

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

سعید مسعودی پور^۱، پروین حق شناس^۲

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی در ابعاد سه گانه نگرش، شامل شناختی، عاطفی و رفتاری بوده است. **روش:** این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی محسوب شده است. جامعه آماری این تحقیق، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم بودند که با استفاده از فرمول کوکران، ۱۷۶ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. اعتبار ابزار اندازه گیری، پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن، بررسی و تأیید شد. برای بررسی روایی محتوایی از شاخص CVR و برای روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی و نرم افزار PLS₃ استفاده شد. همچنین پایایی ابزار اندازه گیری از روشهای مانند آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، متوسط واریانس استخراج شده و ... بررسی و تأیید شد. آزمون فرضیات پژوهش، با استفاده از نرم افزار SPSS₂₃ انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی دانشگاه قم نسبت به موضوع تحول در علوم انسانی مثبت بوده و به ترتیب، بعد عاطفی، شناختی و رفتاری در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. همچنین دانشجویان آقا نگرش بهتری نسبت به خانم‌ها در این زمینه دارند. اما بین گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معناداری درباره نگرش نسبت به تحول در علوم انسانی وجود ندارد. در خصوص تفاوت رشته‌ها نیز باید گفت که دانشجویان رشته اقتصاد، نگرش مثبت‌تری نسبت به سایر رشته‌ها در خصوص تحول در علوم انسانی دارند. **نتیجه گیری:** بالاتر بودن بعد عاطفی در مقایسه با بعد شناختی و رفتاری نشان می‌دهد که هر چند دانشجویان تمایل برای پرداختن به موضوع تحول در علوم انسانی را دارند، اما در بعد دانشی و نیز در حوزه عمل، ضعف وجود داشته که راهکارهایی در این زمینه ارائه شد.

واژگان کلیدی: نگرش، ابعاد نگرش، تحول در علوم انسانی، اسلامی سازی، بومی سازی.

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

۱. دکترای مدیریت بازاریابی، استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم. (نویسنده

مسئول). شماره: ۰۲۵۲۸۵۵۴۴۹۵ | s.masoodipoor@qom.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم.

الف) مقدمه و بیان مسئله

در باب اسلامی سازی علوم انسانی، دیدگاه‌های بسیار متکثری وجود دارد. برخی اساساً این مفهوم را بی‌معنی می‌دانند، برخی رویکردهای حداقلی و برخی دیگر رویکردهای حداکثری برای اسلامی سازی علوم مطرح می‌کنند و روشن است که دیدگاه واحد و یکسانی در این زمینه وجود ندارد (خسروپناه، ۱۳۹۲؛ سوزنجی، ۱۳۸۹؛ فراتی، ۱۳۹۱). اینکه آیا اساساً علوم انسانی قابل اسلامی شدن است یا خیر و در صورت پاسخ مثبت، معنای آن چیست؛ پرسشی است که در پژوهش‌های زیادی به آن پرداخته شده است و صاحب‌نظران، دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص آن بیان کرده‌اند (قنبری باغستان، ۱۳۹۲؛ محقق و میرعلی، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی این دیدگاه یا ارائه دیدگاه مختار، مسئله و موضوع پژوهش حاضر نیست؛ چرا که خود این امر مقوله‌ای پیچیده و مفصل است و نیاز به پژوهشی مستقل دارد. اما مبتنی بر رویکرد موافقان اسلامی سازی علوم انسانی، مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه‌های کشور به صورت ترجمه‌ای تدریس می‌شود، جهان‌بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است و می‌توان گفت که علوم انسانی تحقق‌یافته، بر مبانی و بنیادهای سکولار استوارند (خسروپناه، ۱۳۹۲). محتوای اغلب علوم انسانی در دسترس ما، تقلید و ترجمه شده از فرهنگ و سنت دانشگاهی غرب و از نظر دین‌شناسی مبتنی بر سکولاریسم، از نظر انسان‌شناسی مبتنی بر اومانیزم و در عرصه معرفت‌شناسی، اساس و بنیادشان نسبی‌گرایی است (کریمی بنادکوکي، ۱۳۹۶: ۲۳۲). این علوم انسانی نمی‌توانند برای جامعه ما مناسب باشند و ناگزیر برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، نیاز به نرم‌افزاری متناسب با زیست فرهنگی و اجتماعی خود داریم. لذا بر برنامه تحول در علوم انسانی بر همین مبنا و ضرورت، تأکید قرار می‌گیرند (اسدی‌نسب، ۱۳۹۵: ۱۶۲). نکته مهم در خصوص ضرورت این موضوع تا اینجاست که تولید علوم انسانی اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های وحیانی، یکی از دغدغه‌های اصلی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بوده است. (گودرزی، ۱۳۹۴)

بخشی از ناکارآمدی‌های موجود در عرصه‌های مختلف، به ضعف و نقصان در علوم انسانی کشور برمی‌گردد. علوم انسانی ما بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است؛ در حالی که علوم انسانی غرب، مبتنی بر جهان‌بینی دیگر و مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است که اغلب مبتنی بر نگاه مادی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸). اگرچه دیگر علوم نیز در پیشرفت جامعه مؤثرند، اما علوم انسانی به دلیل اینکه روح دانش و تعیین‌کننده مسیر جامعه است، جایگاه ویژه‌ای دارد (قلی‌پور و چیت‌سازیان، ۱۳۹۶). ما شعار اقتصاد

بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی ... ♦ ۱۸۳

اسلامی، جمهوری دینی و ... می‌دهیم اما در دانشگاه‌های دولتی و آزاد داریم کادرسازی می‌کنیم برای رژیم سکولار بعدی (رحیم‌پور ازغدی، بی‌تا). بنابر این، به نظر می‌رسد مقوله تحول در علوم انسانی از موضوعات مهم و جدی است که با وجود آنکه هم در اسناد بالادستی و هم در بیانات رهبری معظم انقلاب به تکرار به آن تأکید شده است، اما آن‌گونه که شایسته است، در اولویت و دستور کار قرار ندارد.

این موضوع زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که بدانیم از میان بیش از سه میلیون دانشجویی مشغول به تحصیل در کشور، ۵۱ درصد در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند (سایت روزنامه فرهیختگان، ۱۴۰۱/۰۶/۰۳). این بخش عظیم از جامعه، مخاطب محتوا و برنامه‌های درسی غالباً غربی و مادی‌گرا می‌باشند و آنچه می‌آموزند، مبنای عمل و رفتار خواهد شد، بدون آنکه نگاه انتقادی در ذهن دانشجوی شکل گیرد. آنچه بر آن تأکید می‌شود، نفی علوم انسانی متعارف نیست، بلکه نقد آن است که بخش مهمی از این نقدها می‌تواند توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی با استعداد انجام شود. بنابر این، لازم است بخشی از دانشجویان علوم انسانی پس از فراگیری علوم انسانی متعارف، برای بومی‌سازی یا اسلامی‌سازی تلاش کنند. حتی اگر این تلاشها به تولید علوم انسانی اسلامی منجر نشود، اما در رشد و پویایی علوم انسانی موجود تأثیر مثبت خواهد داشت. (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶)

با توجه به توسعه کمی تحصیلات تکمیلی در ایران در علوم انسانی، از یک سو ظرفیت خوبی برای پژوهش در مسیر توسعه برنامه علوم انسانی در ایران مبتنی بر مبانی مقبول، نیازها و شرایط کشور فراهم شده است و از سوی دیگر، در صورتی که این ظرفیت در جهت تحول در علوم انسانی به کار گرفته نشود، می‌تواند یک تهدید برای کشور باشد. به عبارت بهتر؛ توسعه آموزش عالی در حوزه علوم انسانی، بدون توجه به برنامه‌های تحولی در علوم انسانی، به شکاف بیشتر میان علوم انسانی موجود و مطلوب منجر خواهد شد. لذا ضروری است که ظرفیتهای موجود در دانشگاهها در جهت این موضوع مهم سوق داده شود.

پیش از آنکه انتظار حرکت در مسیر تحول در علوم انسانی را از جامعه دانشجویان تحصیلات تکمیلی داشته باشیم، باید نگرش آنان را نسبت به این موضوع بررسی کنیم. این پژوهش به دنبال بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی است. هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام برای سوق دادن دانشجویان تحصیلات تکمیلی به سمت تحول در علوم انسانی، مستلزم مطالعه وضعیت موجود است که یکی از آنها، شناخت نگرش دانشجویان به امر تحول در علوم انسانی است. بنابر این، پرسشی که در این پژوهش

به آن می‌پردازیم این است که جامعه دانشگاهی، به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی که در واقع یکی از بازوان و موتورهای محرک تولید علم در کشور می‌باشند، تا چه حد به این موضوع اعتقاد دارند که علوم انسانی ما باید متناسب با بوم و زیست‌بوم ما و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی ما تولید شود؟ در واقع! چه نگرشی نسبت به موضوع تحول در علوم انسانی دارند؟ آیا رویکرد غالب در میان دانشجویان، نگاه مثبت به مقوله تحول در علوم انسانی است یا نگاه منفی؟ لازم است که به این نکته توجه شود که در موضوعات نگرش‌سنجی، نیازی نیست تا افراد مورد مطالعه، شناخت دقیق و کاملی نسبت به موضوع داشته باشند؛ بلکه هدف، بررسی رویکرد کلی و ارزیابی آنها در موضوع مورد مطالعه است.

۱. مبانی نظری و ادبیات موضوع تحقیق

یک) علم

در زبان انگلیسی از دو کلمه «science» و «knowledge» برای مفهوم علم و دانش استفاده می‌شود که هر کدام معنی خاصی دارند و تفاوت آن دو در این است که science به معرفتی گفته می‌شود که تنها از راه تجربه و مشاهده (که به آن روش علمی گفته می‌شود) به دست آمده و knowledge معرفت و شناختی است که از راه تجربه و غیر تجربه به دست آید (خسروپناه، ۱۳۹۴)؛ یعنی دانش، مفهومی کلان‌تر و وسیع‌تر است که نسبت عموم و خصوص مطلق با علم دارد.

بررسی تاریخ تولید و توسعه علم در جهان از دیرباز تا کنون نشان می‌دهد که این جریان، تحت حاکمیت دیدگاه‌های فلسفی و پارادایم‌های مختلف مبتنی بر رویکردهای جهان‌بینانه و پیش‌فرضهای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی قرار داشته و فرایند تولید علم را هدایت و راهبری کرده است. از جمله پارادایم‌های غالب امروزی حاکم بر روند تولید علم، به ویژه در حوزه علوم انسانی، پارادایم‌های پوزیتیویستی، تفسیری، انتقادی و پست‌مدرن می‌باشند (مرزوقی، ۱۳۹۵). این موضوع به این معنی است که توسعه علوم انسانی ذیل پارادایم‌ها و فلسفه‌های مختلف علم بوده است که هر کدام متأثر از رویکردها و پیش‌فرضهای شناختی متفاوتی نسبت به یکدیگرند. لذا در دنیا، یک علوم انسانی واحد نداریم، بلکه علوم انسانی کاملاً متکثر است.

دو) علوم انسانی

موضوع علوم انسانی عبارت است از «کنشهای انسان»، اعم از کنشهای ظاهری یا باطنی؛ جوارحی یا جوانحی و فردی یا اجتماعی. علوم انسانی در یک تعریف کارکردی عبارت از:

دانش «توصیف»، «تیین»، «تفسیر»، «پیش‌بینی» و «تقویت، اصلاح یا تغییر» کنشهای انسانی است (شریفی، ۱۳۹۳). مطالعات روش‌شناسی، ده‌ها سال است که از دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های جدی عالمان علوم انسانی بوده است. نخستین و جدی‌ترین سؤال محققان این عرصه این بوده است که آیا روشهای علوم طبیعی را می‌توان عیناً در علوم انسانی نیز به کار گرفت؟ در پاسخ به این سؤال، دو نظریه «وحدت روش علمی» و «تکثر روشی علوم انسانی» مطرح شده است. همچنین عده زیادی از عالمان علوم انسانی و اجتماعی، به ویژه در دهه‌های اخیر، به این نتیجه رسیده‌اند که علوم انسانی هم حصولشان و هم داوری‌شان چند روشی است. (همان)

سه) تحول در علوم انسانی

منظور از تحول در علوم انسانی، تغییر بنیادین و تبدیل شدن یک علم، نظام علمی یا گزاره علمی، به علم، نظام یا گزاره‌ای جدید در تمامی جهات است. متناسب با این تغییر اساسی، هر چه تغییر جزئی‌تر باشد، تحول ناقص‌تر واقع شده است. البته باید توجه داشت که تولید علوم انسانی اسلامی اولاً یک فرایند تدریجی و بلندمدت است و ثانیاً به معنای حذف و کنار گذاشتن کامل علوم انسانی فعلی نخواهد بود (آذربایجانی و کاظمینی، ۱۳۹۴). در واقع؛ تحول در علوم انسانی به معنای تبدیل مبانی و بنیادها، روشها، مفاهیم، ساختارها، نظریه‌ها، مکاتب و متون علمی در مسیر تکامل روشمند و اسلامی و بومی‌سازی علوم انسانی است؛ تغییری که حاکمیت علمی پیدا کند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۸). به صورت خلاصه می‌توان گفت تحول در علوم انسانی به معنی رفع نقصان و خطاهای مبانی علوم انسانی رایج است. (شجاعی زند، ۱۳۹۸)

در خصوص تحول علوم انسانی سه رویکرد وجود دارد: رویکرد اول، پذیرش این علوم انسانی متعارف را امری اجتناب‌ناپذیر دانسته و حداکثر، تحول در علوم انسانی را به منزله تغییرات ظاهری در سرفصلها و متون درسی برای رفع تعارضات آشکار میان آموزه‌های اسلامی و نظریات غربی می‌داند. رویکرد دوم، تلاش دارد با تا کنار گذاشتن علوم انسانی متعارف، تحول در علوم انسانی را به منزله جایگزین کردن آموزه‌های نقلی با علوم انسانی متعارف تعریف کند. در رویکرد سوم، تلاش می‌شود تا علوم انسانی بر اساس جهان‌بینی اسلامی بازنگری شود. (مقیمی فیروزآباد و عباس‌پور، ۱۳۹۱)

مسئله تحول علوم انسانی در عرصه آموزش، پژوهش و ترویج، باید به طور تدریجی و فرایندی و به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در سه ساحت به ترتیب ذیل پیگیری شود:

۱. ساحت اول: بهینه‌سازی (شناخت و تدوین فرایند، سیاستها و مدیریت راهبردی

تحول)؛

۲. ساحت دوم: بومی سازی علوم انسانی (آموزش و پرورش در راستای نیازهای جامعه اسلامی)؛

۳. ساحت سوم: اسلامی سازی علوم انسانی (تولید نظریه های علوم انسانی مبتنی بر مبانی و روش شناسی اسلامی). (خسروپناه، ۱۳۹۴)

ساخت اول، ناظر به فعالیتهای اجرایی و برنامه ریزی برای تحول در علوم انسانی است؛ اما دو ساحت دیگر، ناظر به محتوای تحول در علوم انسانی است؛ یعنی در حوزه تحول در علوم انسانی، هم باید به اسلامی سازی علوم اهتمام داشت و هم بومی سازی. این موضوع نیز در بیانات مقام معظم رهبری نیز وجود دارد. در جدول ۱، بیانات رهبری انقلاب ناظر به دو محور اسلامی سازی و بومی سازی در حوزه تحول در علوم انسانی ذکر شده است.

جدول ۱: ابعاد تحول در علوم انسانی در بیانات مقام معظم رهبری

محرور مورد اشاره در تحول در علوم انسانی	متن بیانات	شناسه
اسلامی سازی علوم انسانی	حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست.	بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها؛ ۱۳۹۳/۴/۱۱
	چرا در زمینه علوم انسانی وقتی گفته می شود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده ای فوراً برمی آشوبند که «آقا! علم است؟ علم است؟»	بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها؛ ۱۳۹۷/۳/۲۰
	ما علوم انسانی مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است.	بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸
	این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه ای، بدون اینکه هیچ گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می آوریم تو دانشگاههای خودمان و در بخشه ای مختلف اینها را تعلیم می دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد.	بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸

بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی ... ♦ ۱۸۷

	<p>باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند.</p>	<p>بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸</p>
<p>بومی‌سازی علوم انسانی</p>	<p>ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم. من این بحث را در محیط دانشگاه دارم می‌کنم؛ معنایش این است که این تحقیق و این پیگیری و این تفحص را شما دانشجو، شما استاد و شما عنصر دانشگاهی، با جدیت باید انجام بدهید.</p>	<p>بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۷</p>
	<p>شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی.</p>	<p>بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز؛ ۱۳۸۷/۲/۱۴</p>
	<p>بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخصها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند.</p>	<p>بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز؛ ۱۳۸۷/۲/۱۴</p>
	<p>هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدم‌های خبره، به دست آدم‌های وارد، به دست انسان‌های اهل تعمق و کسائی که اهلیت ایجاد راه‌های نور را دارند.</p>	<p>بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)؛ ۱۳۹۵/۳/۱۴</p>
	<p>ما می‌گوییم علوم انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم</p>	<p>بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۰/۵/۱۹</p>

چهار) اسلامی‌سازی

علوم انسانی بر پیش‌فرضهای انسان‌شناختی خاصی استوار است که نظریه‌هایی که در علوم انسانی پیشنهاد می‌شود مستقیم یا غیر مستقیم مبتنی بر این پیش‌فرضهاست. لذا جهت‌گیری کلی دیدگاه‌های یک شخصیت علمی با مبانی انسان‌شناختی او، نهایت ارتباط و همبستگی را دارد؛ تا آنجا که تغییر در این مبانی و پیش‌فرضها موجب تغییر در جهت‌گیری نظریه‌های او خواهد شد (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹: ۴۶). «اسلامی‌سازی علوم انسانی» لاقلاً دو معنای متفاوت

می تواند داشته باشد؛ در یک معنا، مساوی با بومی سازی علوم انسانی خواهد بود؛ به این معنا که علوم انسانی موجود، حاوی دو دسته مسائل و موضوعات است: نخست، مسائل فرازمانی و فرامکانی و دوم، مسائل زمانی و مکانی. منظور از اسلامی سازی علوم انسانی این است که آن دسته از مسائل علوم انسانی را که ناظر به زمان یا مکان خاصی نیستند و به اصطلاح فرازمانی و فرامکانی اند، اخذ کرده و مسائل زمانی و مکانی آنها را ناظر به جامعه خود که یک جامعه اسلامی است تغییر دهیم. با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه اسلامی است و مردم ما مسلمانانند؛ بنابر این، بومی سازی این علوم در کشور ما معادل اسلامی سازی آنها به این معنا خواهد بود. علوم انسانی موجود نیز در جامعه ما با وجود خوبی ها و خدماتی که داشته و دارند، کارایی لازم را ندارند. عدم کارآمدی آنها نیز معلول بی توجهی شان به دین و ارزشهای دینی است. با اسلامی سازی این علوم می توان از نقصها و کمبودهایشان کاست و بر قوتها و فواید آنها افزود.

اما این اصطلاح معنای دیگری نیز می تواند داشته باشد و آن این است که با توجه به تأثیرپذیری شدید علوم انسانی از باورها و ارزشها، هم در عرصه گردآوری و هم در عرصه داوری، وظیفه ما این است که آنها را در راستای باورها و ارزشهای اصیل، حقیقی، معقول و صحیح، که همان باورها و ارزشهای اسلامی است، سوق دهیم و این یعنی آنکه علوم انسانی اسلامی را تولید و عرضه کنیم. «اسلامی سازی علوم انسانی» در این معنا، مساوی با اصطلاح «علوم انسانی اسلامی» خواهد بود. (شریفی، ۱۳۹۳)

اسلامی بودن علوم انسانی ناظر به ابتدای علوم انسانی بر مبانی معرفتی، هستی شناختی، انسان شناختی و ارزش شناختی اسلام است. در وضعیت مطلوب، کتابهای مبنا و اصلی آموزشی پژوهشی علوم انسانی مبتنی بر مبانی اسلامی اند و به همین سبب، ساخته و پرداخته اندیشمندان داخلی اند. همچنین نظریات فعلی علوم انسانی با معارف اسلامی محک خواهند خورد و پس از عبور از صافی شاخصهای اسلامی، در نهاد علوم انسانی کشور مستقر خواهند شد. چنین نیست که نظریات علوم انسانی غربی بدون هیچ گونه نگاه انتقادی و به صورت ترجمه ای و خام، وارد این نهاد مؤثر و خطیر شود. (قلی پور و جیت سزبان، ۱۳۹۶)

در خصوص چیستی اسلامی سازی علوم انسانی، نظریات بسیار متنوع و متعددی ارائه شده است. برخی در مقام انکار اسلامی سازی علوم انسانی قلم زده اند و آن را امکان ناپذیر یا بی اثر دانسته است. موافقان اسلامی سازی علوم انسانی نیز، نه در چیستی اسلامی سازی و نه در چگونگی اسلامی سازی، دیدگاه واحد و مشترک ندارند و رویکردهای مختلفی در این زمینه

ارائه شده است. سوزنچی (۱۳۸۸) رویکردهای علم دینی را در سه گروه قرار داده است: گروه اول، اصالت را به معارف نقلی می‌دهند. گروه دوم، اصالت را به روش تجربی می‌دهند. گروه سوم نیز عقیده دارند که هر یک درجه‌های قوای ادراکی انسانی، قادر به شناخت بخشی از عالم واقع است. باقری (۱۳۸۲) در طبقه‌بندی خود در خصوص رویکردهای موجود به علم دینی، آنها را در سه دسته استنباطی، تهذیب و تکمیل علوم موجود و تأسیسی قرار داده است. بستان (۱۳۸۴) سه رویکرد حداقلی، میانی و حداکثری را با توجه به کارکرد و نقش معارف دینی در تولید علم مورد بحث قرار می‌دهد. خسروپناه (۱۳۹۳) چهار دسته رویکرد نسبت به علم دینی ارائه می‌کند: رویکرد غرب‌گرایانه، رویکرد غرب‌ستیزانه، رویکرد غرب‌گریزانه و رویکرد غرب‌گزینانه.

پنج) بومی‌سازی

بومی‌سازی علوم انسانی مبتنی بر پذیرش این حقیقت است که علوم انسانی، بر خلاف علوم طبیعی و تجربی، به تناسب فرهنگها و شرایط اجتماعی و اقلیمی مختلف می‌توانند دچار تغییر و تحول شوند (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۶۵-۱۶۴). بومی‌سازی به معنای متناسب‌سازی امری با ظرفیتهای موجود در تاریخ یک جامعه است. مراد از بومی‌سازی علوم، به طور کلی می‌تواند در قالب دو تلقی عام بررسی شود: الف) تلقی بدبینانه، ب) تلقی غیر بدبینانه. بر اساس تلقی نخست، نگرشی که اعضای یک فرهنگ و جامعه نسبت به فرهنگ جامعه دیگر باید داشته باشند، بدبینی است و همواره احتیاط از تماس و ارتباط با فرهنگ فکری دیگران تشویق می‌شود. در این تلقی، نظام فکری بیگانگان همواره به عنوان تهدید و آفت محسوب می‌شود و هر نوع تماس فکری یا غیر فکری، در نهایت مضر و زیانبخش است. اما بر اساس تلقی دوم، همواره مؤلفه‌های فکری و فرهنگی یک جامعه به عنوان عاملی تهدیدکننده ملاحظه نمی‌شود. در این تلقی، از آنجا که رشد فکری در ایجاد تعامل مناسب با سایر جوامع به دست می‌آید، شرایط برقراری ارتباط و تماس مناسب و مفید، تشویق؛ اما همواره برقراری ارتباط با سایر ملل و فرهنگها با حفظ اصول و مبانی انجام می‌شود. (مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۱)

بومی بودن، سنخیت و تناسب نظریات علوم انسانی حداقل دو جنبه اساسی دارد. یک جنبه این است که نظریات علوم اجتماعی که جنبه توصیفی دارند، باید توصیف‌گر کنشهای اجتماعی شکل گرفته در بستر کشور ایران باشند، نه اینکه توصیف‌گر کنشهای جمعی افراد، گروه‌ها و جوامعی باشند که ویژگی‌های متفاوتی با جامعه ایرانی دارند. جنبه دیگر بومی شدن علوم انسانی مربوط به پژوهشهای کاربردی می‌شود. این سنخ پژوهشها که برای حل

مسائل خاصی طراحی می‌شوند، باید معطوف به مسائل، نیازها و اولویتهای کشور باشند. ایران اسلامی با مسائل اجتماعی مختلفی درگیر است که اساساً در جوامع غربی مسئله محسوب نمی‌شوند تا بخواهند مورد پژوهش و کنکاش عالمان اجتماعی قرار گیرند (قلی‌پور و چیت‌سازیان، ۱۳۹۶). متأسفانه بخشی از پژوهشهای انجام شده در علوم انسانی، هیچ‌سختی با نیازها و مسائل کشور ندارند و صرفاً الگوبرداری از پژوهشهای خارجی‌اند.

شش) نگرش

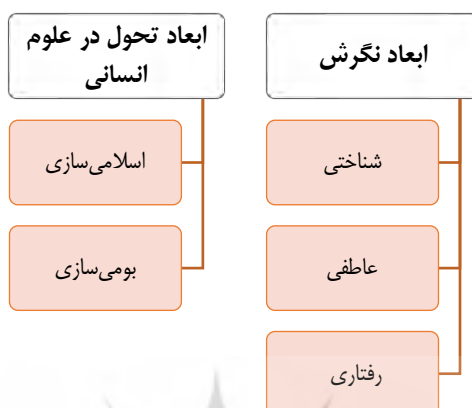
نگرش^۱ یکی از مفاهیم شناخته‌شده در روان‌شناسی اجتماعی است که کاربرد گسترده‌ای در سایر رشته‌های علوم انسانی از جمله مدیریت دارد. تعاریف مختلفی از نگرش ارائه شده است که تعریفی که لمبرت^۲ ارائه کرده، جامع‌تر به نظر می‌رسد. از منظر او، نگرش عبارت است از روشی نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوعهای اجتماعی یا هرگونه حادثه‌ای، در محیط فرد. همان‌گونه که از تعریف نگرش استنباط می‌شود، مؤلفه‌های نگرش عبارتند از: افکار و عقاید، احساسات و عواطف و تمایلات رفتاری. محققان در زمینه مؤلفه‌های نگرش اتفاق نظر دارند و آن را شامل ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر می‌گیرند (کاوایی، ۱۳۸۷). به این ترتیب، نگرش دارای سه جزء شناختی، احساسی (بینشی) و آمادگی برای عمل (رفتار) است. نگرش شناختی شامل انگیزه‌ها و باورهای شخصی دربارهٔ یک جسم یا اندیشه است و بر اطلاعات، واقعیتها و دانستنی‌ها دلالت دارد. نگرش احساسی به هیجانهای گفته می‌شود که ممکن است خوشایند یا ناخوشایند باشند. آمادگی برای عمل، جزء رفتاری است که نسبت به موضوع نگرش صورت می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۱۱). برخی نگرشها (همچون باورهای مذهبی) ممکن است برای افراد، بسیار حیاتی باشند (سازهٔ محوری^۳) و برای تغییر آن مقاومت شدیدی از خود نشان دهند؛ در حالی که برخی نگرشها تحت تأثیر محیط بیرونی‌اند؛ یعنی سازهٔ حاشیه‌ای^۴ هستند و ممکن است با اطلاعات یا تجربیات شخصی جدید تغییر پیدا کنند. (مقیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۴)

۲. مدل مفهومی تحقیق

مدل اندازه‌گیری برای مفهوم نگرش نسبت به تحول در علوم انسانی، مدل محقق ساخته است

1. Attitude
2. Lambert
3. Core Construct
4. Peripheral Construct

که با توجه به ابعاد مفهومی نشان داده شده در شکل ۱ طراحی شده است. ابعاد تحول در علوم



انسانی مبتنی بر بررسی انجام شده در بیانات مقام معظم رهبری است که در بخش قبلی به آن پرداخته شد و شامل دو محور اصلی اسلامی سازی و بومی سازی است. از سوی دیگر، نگرش در مطالعات رفتاری، شامل سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است. با ضرب دو بعد محتوایی تحول در علوم انسانی در سه بعد نگرش، محورهای اصلی ابزار اندازه گیری مشخص می شود که در شکل ۱ نشان داده شده است.

شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق (منبع: یافته‌های محققین)

به صورت مشخص، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی چگونه است؟ برای پاسخ به سؤال اصلی، فرضیه اصلی عبارت است از اینکه: «نگرش کلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه قم نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی مثبت است.

اما فرضیات فرعی در پژوهش حاضر عبارتند از:

- بعد شناختی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی دانشگاه قم نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی مثبت است.
- بعد عاطفی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی دانشگاه قم نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی مثبت است.
- بعد رفتاری نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی دانشگاه قم نسبت به

- مقوله تحول در علوم انسانی مثبت است.
- نگرش کلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی خانم و آقا با هم تفاوت معناداری ندارند.
 - نگرش کلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رده‌های سنی مختلف تفاوت معناداری با هم ندارند.
 - نگرش کلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های مختلف تفاوت معناداری با هم ندارند.
 - نگرش کلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ورودی سال‌های مختلف دانشگاه تفاوت معناداری با هم ندارند.

ب) روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود و از پرسشنامه محقق ساخته برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز استفاده و اعتبار آن با روشهای مختلف بررسی و تأیید شد. پرسشنامه مذکور شامل دو بخش است: بخش اول پرسشنامه به بیان سؤالات مدل اندازه‌گیری اختصاص یافته (شش سؤال برای بعد شناختی، شش سؤال برای بعد عاطفی و هفت سؤال برای بعد رفتاری) و بخش دوم شامل سؤالات مرتبط با متغیرهای جمعیت شناختی (شامل پنج سؤال) است. سؤالات مدل اندازه‌گیری در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: تعریف عملیاتی گویه‌های مربوط به ابعاد سه‌گانه نگرش

ابعاد	گویه‌ها
بعد شناختی	فکر می‌کنم شناخت دقیق و کاملی از مفهوم تحول در علوم انسانی دارم.
	به نظر من علوم انسانی - اسلامی (مانند مدیریت اسلامی یا اقتصاد اسلامی) امری ناممکن و نشدنی است.
	نظریات علوم انسانی باید بر اساس آموزه‌های قرآنی و دینی بنا شوند.
	دین و علم دو مقوله جدا از یکدیگر و بی‌ارتباط از هم هستند.
	علوم انسانی - اسلامی می‌تواند الگوی بهتر برای اداره کشور و حل مسائل آن ارائه کند. پژوهشهای ناظر به شرایط بومی (و نه صرفاً کپی کردن پژوهشهای خارجی) می‌تواند به حل مسائل کشور کمک کند.
بعد عاطفی	زمانی که از پژوهشهای کاربردی در رشته دانشگاهی‌ام مطلع می‌شوم، احساس خوبی پیدا می‌کنم.
	زمانی که از پژوهشهای علوم انسانی - اسلامی (مانند مدیریت اسلامی یا اقتصاد اسلامی) در رشته دانشگاهی‌ام مطلع می‌شوم، احساس خوبی پیدا می‌کنم.

بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی ... ♦ ۱۹۳

افرادی که پژوهشهای ناظر به حل مسائل کشور انجام می‌دهند را تحسین می‌کنم.	بعد رفتاری
افرادی که پژوهشهایی در حوزه علوم انسانی - اسلامی (مانند مدیریت اسلامی یا اقتصاد اسلامی) انجام می‌دهند را تحسین می‌کنم.	
از پژوهشهایی که بدون توجه به نیازهای کشور یا برای حل مسائل انجام می‌شود، متنفرم.	
از پژوهشهایی که بدون توجه به مبانی علوم انسانی و مبتنی بر نگرش غربی و مادی گرایانه انجام می‌شود، متنفرم.	
تلاش می‌کنم تا پژوهشهایی برای تحول در علوم انسانی انجام دهم.	
قصد دارم پایان‌نامه یا پژوهشی متناسب با شرایط بومی و اقتضات کشور انجام دهم.	
قصد دارم پایان‌نامه یا پژوهشی در حوزه موضوعات علوم انسانی - اسلامی (مانند مدیریت اسلامی یا اقتصاد اسلامی) کار کنم.	
توانمندی کافی برای تولید علوم انسانی - اسلامی (مانند مدیریت اسلامی یا اقتصاد اسلامی) را در خود می‌بینم.	
من مطالعات قرآنی و دینی در کنار درسهای دانشگاهی دارم.	
من آشنایی خوبی با روشهای تولید علوم انسانی - اسلامی دارم.	
من توانمندی کافی برای انجام پژوهشهای کاربردی و متناسب با مسائل کشور دارم.	

جامعه آماری تحقیق، کلیه دانشجویان در حال تحصیل تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ است. حجم جامعه برابر با ۳۲۵ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران (در سطح خطای پنج درصد)، حجم نمونه برابر با ۱۷۶ نفر به دست می‌آید. از طریق نمونه‌گیری در دسترس، داده‌های لازم جمع‌آوری شد. این نمونه شامل ۶۶ نفر مرد و ۱۱۰ نفر زن است. جوان‌ترین آنها ۲۲ سال و مسن‌ترین ۵۰ سال و میانگین سنی آنان حدود ۲۸ سال است. بررسی داده‌های به دست آمده از مقطع تحصیلی دانشجویان نشان می‌دهد که شش نفر از این تعداد، دانشجوی مقطع دکتری و بقیه کارشناسی ارشد می‌باشند که ۶۶ نفر آنان مدیریت صنعتی، ۶۵ نفر مدیریت بازرگانی و ۴۵ نفر دیگر در رشته اقتصاد مشغول به تحصیل‌اند.

ج) تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت ابتدا به بررسی اعتبار ابزار اندازه‌گیری پرداخته و سپس آزمون فرضیات انجام خواهد شد. برای اعتبارسنجی ابزار اندازه‌گیری، از نرم‌افزار PLS3 و تحلیل عاملی تأییدی و تکنیکهای مختلف روایی و پایایی استفاده شده است. برای بررسی فرضیات نیز از نرم‌افزار SPSS و آزمونهای تی تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

۱. روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

روایی ابزار اندازه‌گیری از طریق سنجش روایی صوری، روایی محتوایی و محاسبه شاخص (CVR) بررسی شد و سؤالاتی که حداقل روایی را کسب نکردند، حذف و اصلاح شدند. همچنین از تحلیل عاملی تأییدی برای اطمینان از روایی سازه استفاده شد. در خصوص پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر آن در جدول ۳ محاسبه شده است.

جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محقق ساخته

آلفای کرونباخ	ابعاد
۰/۹۱۶	نگرش شناختی
۰/۸۸۴	نگرش عاطفی
۰/۸۳۰	نگرش رفتاری
۰/۸۹۹	کل پرسشنامه

به منظور برازش ابزار اندازه‌گیری، از نرم‌افزار PLS₃ استفاده شده است. این مرحله شامل برازش مدل اندازه‌گیری (رابطه گویه‌ها با سازه‌ها)، برازش مدل ساختاری (رابطه میان سازه‌ها) و برازش مدل کلی است که نتایج آنها در جدول ۴ ارائه شده است. حداقل میانگین ضریب پایایی همگون و پایایی ترکیبی برابر ۰/۷ و پایایی ترکیبی واریانس استخراج شده برابر ۰/۵ است که با توجه به نتایج نشان داده شده در جدول، اعتبار مدل تأیید می‌شود. شاخص Q^2 قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند که سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به عنوان قدرت پیش‌بینی کننده ضعیف، متوسط و قوی پیشنهاد شده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). حداقل مقدار GOF نیز ۰/۳ معرفی شده است که با توجه به جدول ۴ می‌توان برازش کلی مدل را تأیید کرد.

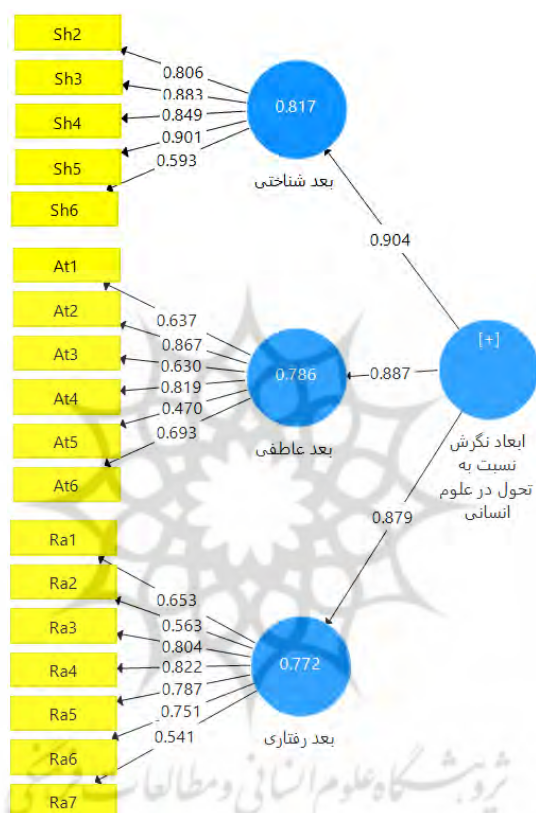
جدول ۴: نتایج برازش مدل مفهومی تحقیق

ابعاد/مؤلفه	اعتبار مدل اندازه‌گیری			برازش مدل ساختاری		برازش کلی مدل
	ضریب پایایی همگون	پایایی ترکیبی	متوسط واریانس استخراج شده	ضریب تعیین R^2	Q^2	
بعد شناختی	۰/۸۹۲	۰/۹۰۶	۰/۶۶۳	۰/۸۱۷	۰/۴۷۶	۰/۶۴۲
بعد عاطفی	۰/۸۳۸	۰/۸۴۶	۰/۴۸۸	۰/۷۸۶	۰/۳۲۳	
بعد رفتاری	۰/۸۶۳	۰/۸۷۵	۰/۵۰۶	۰/۷۷۲	۰/۳۲۹	

در خصوص بررسی روایی سازه، با توجه به کمتر بودن بار عاملی یکی از سؤالات از

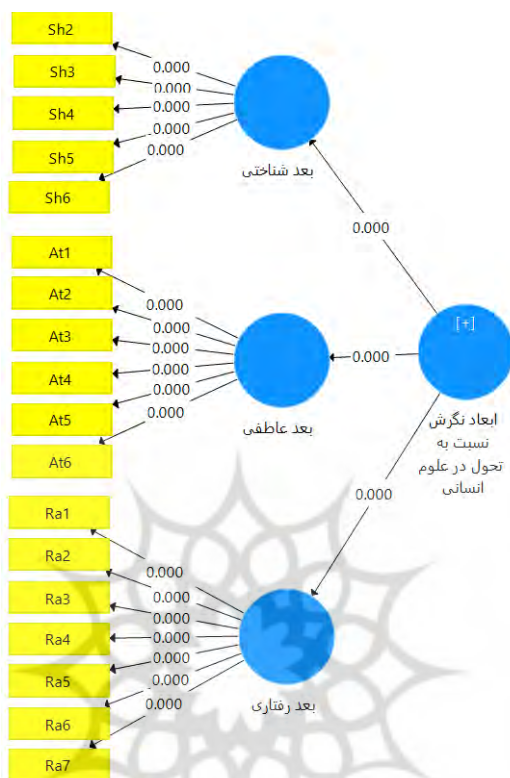
بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی ... ♦ ۱۹۵

مقدار ۰/۴، گویه مذکور از مدل حذف و مدل تحقیق مجدد اجرا شد. شکل ۲، مدل اندازه‌گیری تحقیق در حالت استاندارد را نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی در وضعیت مطلوب قرار دارند.



شکل ۲: مدل اندازه‌گیری اصلاح شده در حالت استاندارد

اما مدل دوم، تعمیم‌پذیری را بررسی می‌کند که همان‌طور که در شکل ۳ مشخص است، مقدار p-value تمامی روابط، کمتر از پنج صدم محاسبه شده است که نشان‌دهنده امکان‌پذیری تعمیم یافته‌ها از نمونه به جامعه دارد.



شکل ۳: مدل اندازه‌گیری مفهوم نگرش نسبت به برای بررسی تعمیم‌پذیری

۲. آزمون فرضیات تحقیق

با توجه به حجم نمونه و قضیه حد مرکزی و ضریب چولگی و کشیدگی، توزیع داده‌ها را می‌توان نرمال فرض کرد؛ لذا برای آزمونهای پارامتریک استفاده خواهد شد. نخستین آزمون، تی تک‌نمونه‌ای است که به مقایسه میانگین ابعاد نگرش با حد متوسط می‌پردازد. (جدول ۵)

جدول ۵: آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای مقایسه ابعاد نگرش دانشجویان در گروه نمونه با نمره معیار

حد بالا	حد پایین	اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره تی	
۰/۹۰۷۰	۰/۶۱۸۰	۰/۷۶۲۵۰	۰/۰۰۰	۱۷۵	۱۰/۴۱۸	بعد شناختی
۰/۰۹۹۸	۰/۸۸۸۸	۰/۹۹۴۲۲	۰/۰۰۰	۱۷۵	۱۸/۶۰۳	بعد عاطفی
۰/۶۱۳۴	۰/۴۰۱۲	۰/۵۰۷۳۱	۰/۰۰۰	۱۷۵	۹/۴۳۷	بعد رفتاری

همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است، با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده در هر

بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی ... ♦ ۱۹۷

سه بعد، فرض صفر رد می‌شود. با توجه به جدول ۵، چون برای هر سه بعد، حد بالایی و پایین مثبت است؛ لذا میانگین هر سه بعد از مقدار آزمون، بزرگ‌تر بوده و می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مثبت نسبت به تحول در علوم انسانی در هر سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در میان دانشجویان وجود دارد.

با توجه به مقدار sig، فرض صفر رد شده و فرض مقابل آن، یعنی عدم برابری دست کم میانگین دو گروه تأیید می‌شود.

جدول ۶: آزمون تحلیل واریانس یکطرفه

سطح معناداری	آماره اف	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۱۶/۰۳۳	۱۰/۴۴۴	۲	۲۰/۸۸۸	بین گروهی
		۰/۶۵۱	۵۲۵	۳۴۱/۹۹۸	درون گروهی
			۵۲۷	۳۶۲/۸۸۶	کل

اما برای اینکه مشخص شود کدام بعد نگرشی در سطح بالاتری است، از آزمون تعقیبی HSD Tukey استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۷ مشخص است، سه بعد نگرشی در سه دسته تقسیم شده است. میزان نگرش نمونه مورد مطالعه در بعد عاطفی، بیشتر از سایر ابعاد و در بعد رفتاری، پایین‌تر از بقیه است.

جدول ۷: آزمون توکی برای مقایسه میانگین مؤلفه‌ها

Subset for alpha = 0.05			N	ابعاد نگرش
۳	۲	۱		
		۰/۵۰۷۳	۱۷۶	رفتاری
	۰/۷۶۲۵		۱۷۶	شناختی
۰/۹۹۴۳			۱۷۶	عاطفی
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	سطح معناداری

یک بررسی تفاوت نگرش بین دو گروه زنان و مردان برای بررسی این تفاوت، از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده می‌شود. با توجه به جداول ۸ می‌توان فرض صفر؛ یعنی برابری نگرش میان زنان و مردان را رد کرد. همان‌طور که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود، مقدار sig کمتر از پنج صدم بوده و لذا فرض صفر؛ یعنی برابری میانگین کل نگرش دانشجویان خانم و آقا رد می‌شود.

جدول ۸: آزمون مقایسه میانگین نگرش زنان و مردان

Independent Samples Test										
		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
Ave_negaresh_kol	Equal variances assumed	6.594	.011	3.885	174	.000	40836	.10510	.20092	61580
	Equal variances not assumed			3.855	112.251	.000	40836	.11173	.18698	62974

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	جنسیت	کل نگرش
.09562	.77681	1.0099	۶۶	مرد	
.05780	.60626	.6016	۱۱۰	زن	

با توجه به مقدار میانگین محاسبه شده، نگرش آقایان نسبت به تحول در علوم انسانی در سطح بالاتری نسبت به زنان قرار دارد.

دو بررسی تفاوت نگرش در گروه‌های سنی

میانگین نگرش‌های دانشجویان در گروه‌های سنی مختلف در جدول زیر محاسبه شده است.

جدول ۹: خروجی آمار توصیفی در گروه‌های سنی مختلف

بیشینه	کمینه	۹۵ درصد فاصله اطمینان برای میانگین		خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	N	
		حد بالا	حد پایین					
۱/۹۴	-۰/۸۱	۰/۸۰۰۷	۰/۴۲۲۸	۰/۰۹۳۹۲	۰/۶۵۰۷۰	۰/۶۱۱۸	۴۸	زیر ۲۵ سال
۱/۹۴	-۱/۰۶	۰/۹۷۳۷	۰/۶۳۲۶	۰/۰۸۵۴۳	۰/۶۹۹۲۹	۰/۸۰۳۱	۶۷	از ۲۵ تا ۳۰ سال
۱/۷۳	-۰/۵۲	۱/۰۴۸۱	۰/۵۷۶۸	۰/۱۱۵۲۳	۰/۶۳۱۱۳	۰/۸۱۲۴	۳۰	از ۳۰ تا ۳۵ سال
۱/۵۲	-۱/۲۷	۱/۰۷۵۹	۰/۳۵۳۶	۰/۱۷۰۳۴	۰/۷۰۲۳۴	۰/۷۱۴۸	۱۷	از ۳۵ تا ۴۰ سال
۱/۴۶	-۰/۱۳	۰/۸۳۴۵	۰/۳۰۹۶	۰/۱۲۰۴۵	۰/۴۳۴۲۸	۰/۵۷۲۰	۱۳	بالای ۴۰ سال
۱/۹۴	-۱/۲۷	۰/۸۲۴۷	۰/۶۲۸۲	۰/۰۴۹۷۸	۰/۶۵۸۴۶	۰/۷۲۶۵	۱۷۵	کل

همان‌طور که مشخص است، نگرش دانشجویان بالای ۴۰ سال، کمترین میزان و بعد از آن دانشجویان زیر ۲۵ سال قرار دارد. میانگین نگرش دانشجویان سه گروه دیگر تقریباً

مساوی به نظر می‌رسد. اما برای اینکه مشخص شود که این اختلاف معنادار است یا خیر، از آزمون تحلیل واریانس استفاده می‌شود.

جدول ۱۰: آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (نگرش بر حسب سن)

سطح معناداری	آماره اف	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۴۶۷	۰/۸۹۷	۰/۳۹۰	۴	۱/۵۵۹	بین گروهی
		۰/۴۳۵	۱۷۰	۷۳/۸۸۲	درون گروهی
			۱۷۴	۷۵/۴۴۲	کل

با توجه به نتایج جدول ۱۰، فرض صفر رد نشده و لذا باید گفت که نگرش دانشجویان در گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معناداری با هم ندارند و در یک سطح قرار دارند و اختلافات میانگین جدول ۱۰، ناشی از تصادف بوده و معنادار نیست.

سه) بررسی تفاوت نگرش در رشته‌های مختلف

آیا نگرش دانشجویان به مقوله تحول در علوم انسانی در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف متفاوت است یا خیر؟ با توجه به نتایج آزمون آنووا ($\text{sig} < 0/05$) باید گفت که تفاوت معناداری میان رشته‌های مختلف (سه رشته مدیریت بازرگانی، مدیریت صنعتی و اقتصاد) در خصوص نگرش دانشجویان نسبت به تحول در علوم انسانی وجود دارد.

جدول ۱۱: آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (نگرش بر حسب رشته)

سطح معناداری	آماره اف	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰	۱۰/۹۶۶	۴/۳۸۷	۲	۸۷۷۴	بین گروهی
		۰/۴۰۰	۱۷۳	۶۹/۲۱۱	درون گروهی
			۱۷۵	۷۷/۹۸۵	کل

برای اینکه مشخص کنیم تفاوت مربوط به کدام رشته است، از آزمون تعقیبی توکی استفاده می‌کنیم. همان‌طور که مشخص است، نگرش دانشجویان رشته اقتصاد به مقوله تحول در علوم انسانی در سطح بالاتری نسبت به دو گروه مدیریت بازرگانی و صنعتی قرار دارد. علت آن به این موضوع برمی‌گردد که با توجه به گرایش دانشجویان رشته اقتصاد (یعنی اقتصاد اسلامی)، دیدگاه و نگرش مثبت و بهتری نسبت به این موضوع در بین دانشجویان این رشته وجود دارد.

جدول ۱۲: آزمون توکی برای مقایسه میانگین بر حسب رشته

Subset for alpha = 0.05		N	رشته
۲	۱		
	۰/۵۸۰۱	۶۵	مدیریت بازرگانی
	۰/۵۹۳۰	۶۶	مدیریت صنعتی
۱/۰۹۸۲		۴۵	علوم اقتصادی
۱/۰۰۰	۰/۹۹۴		سطح معناداری

د) نتیجه گیری و پیشنهادها

علوم انسانی وظیفه مطالعه و بررسی انسان، رفتار و ابعاد زندگی وی را بر عهده دارد و مسئول ارائه راهکارهای مفید و کارآمد برای زندگی بهتر و کامل تر اوست. مسلماً تولید و تقویت این علوم و ارتقای جایگاه آنها نقش بسزایی در رشد و تعالی کشور، جامعه، سازمانها و نهادهای اجتماعی آن خواهد داشت (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵). امروزه ضرورت حرکت برای تحول به سمت نوعی از علوم انسانی که با مبانی فکری و ارزشی جامعه ما سازگار باشد، بیش از پیش احساس می شود (زمانها، ۱۳۹۳: ۸۰). روند کنونی پیشرفت کشور نیز نشان می دهد نیاز جدی به نظریات بومی و کاربردی در حوزه علوم انسانی اسلامی، به شدت در فضای مدیریتی جامعه احساس شده است و نقطه تمرکز علمی کشور به زودی به رشته های علوم انسانی اسلامی منتقل خواهد شد. به همین دلیل می توان پیش بینی کرد که در آینده نزدیک شاهد مطالبه و توجه جدی همه حوزه های اجرایی و مدیریتی کشور به متخصصان و صاحب نظران رشته های گوناگون علوم انسانی اسلامی خواهیم بود (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۶). با توجه به سیطره طولانی علوم انسانی غربی بر جهان و از جمله کشور ما، به یکباره و به صورت دفعی نمی توان به دلیل عدم سنخیت با شرایط بومی کشور این علوم را کنار گذاشت (عبدی، ۱۳۹۱). یکی از موضوعاتی که به عنوان مقدمه و زمینه ساز تحول در علوم انسانی می توان از آن نام برد، بهبود نگرش پژوهشگران علوم انسانی نسبت به مقوله تحول است؛ چرا که نگرش محققان و جهان بینی آنها در شکل گیری علوم انسانی و قضاوت در ارزش و جایگاه آن نسبت به علوم دیگر مؤثر است. (گودرزی، ۱۳۹۴: ۹۵)

بازیگر اصلی فرایند تحول در علوم انسانی، نخبگان می باشند. عوامل روان شناختی به عنوان عامل اثرگذار بر جامعه نخبگانی در راستای جهت دهی و هدایت آنان به سوی تحول

بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی ... ♦ ۲۰۱

در علوم انسانی، ضروری به نظر می‌رسد. مجموعه عوامل روان‌شناختی را در سه دسته عوامل شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم می‌کنند (آذربایجانی و کاظمی، ۱۳۹۴). در این پژوهش تلاش شد تا نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم نسبت به موضوع تحول در علوم انسانی بررسی شود. برای شناخت مفهوم تحول در علوم انسانی، رویکرد مقام معظم رهبری را به عنوان مبنا قرار داده و بر اساس نظریات ایشان، دو محور کلی اسلامی‌سازی و بومی‌سازی به عنوان اجزای اصلی تحول در علوم انسانی در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در مجموع نگرش مثبت در این زمینه در بین جامعه مورد مطالعه وجود دارد، هر چند وزن همه ابعاد نگرشی یکسان نیست. بالاتر بودن بعد عاطفی، نشان‌دهنده تمایل و میل و علاقه دانشجویان برای ایفای نقش خود در حوزه تحول‌آفرینی در علوم انسانی است؛ اما در دو بعد شناختی و رفتاری ضعف وجود دارد. به این معنی که دانشجویان در خصوص چیرستی و چگونگی تحول در علوم انسانی، نیاز به راهنمایی و هدایت دارند و زمانی اقدام و حرکت در مسیر تحول رخ می‌دهد که توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی وجود داشته باشد. همچنین تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی مختلف در این موضوع وجود ندارد؛ اما مردان نگرش بهتری نسبت به زنان در موضوع تحول در علوم انسانی دارند. در خصوص تفاوت معنادار دانشجویان رشته اقتصاد نسبت به مدیریت در موضوع تحول در علوم انسانی باید گفت که با توجه به اینکه گرایش این دانشجویان (یعنی اقتصاد اسلامی) و با توجه به پرداختن بیشتر به بحث تحول در علوم انسانی در این گرایش، طبیعتاً نگرش بهتری در میان دانشجویان باید شکل بگیرد. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- تلاش برای ارتقای بعد شناختی دانشجویان تحصیلات تکمیلی از طریق ارائه رویکردهای انتقادی به علوم انسانی در کلاسهای درس، برگزاری جلسات علمی و ارائه نقدها به نظریات علوم انسانی و ...؛
- توانمندسازی دانشجویان در بعد رفتاری از طریق آموزش روش‌شناسی‌های مطلوب تولید علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی بومی و گنجاندن مباحثی در سرفصلهای درس روش تحقیق در این زمینه؛
- تشویق و حمایت از پایان‌نامه‌ها با رویکرد اسلامی و بومی در سطح دانشگاهها، سطح استان و در سطح ملی؛

- از آنجا که بخش مهمی از نگرش تحول‌آفرین به علوم انسانی توسط اساتید و اعضای هیئت علمی باز تولید می‌شود، برنامه ویژه‌ای در سطح دانشگاهها و در سطح ملی برای ارتقای نگرش اساتید در موضوع تحول در علوم انسانی در نظر گرفته شود.
 - برنامه‌های ترفیعی برای اساتید علوم انسانی به منظور تجهیز آنان به ابزارهای لازم علمی برای نقد علوم انسانی متعارف در دستور کار دانشگاهها و وزارت علوم قرار گیرد؛
 - فرهنگ‌سازی برای تحول در علوم انسانی با برگزاری نشستهای تخصصی دانشگاهی و حوزوی و همایشهای ملی؛
 - تشکیل گروه‌های تخصصی تحول در عرصه علوم انسانی در دانشگاهها و طراحی برنامه‌های اجرایی در سطح دانشگاهها در راستای اسناد بالادستی؛
 - سرمایه‌گذاری برای انجام پژوهشهای بنیادین، ساماندهی پژوهشها، جذب و تربیت پژوهشگران ویژه در عرصه تحول علوم انسانی؛
 - تسهیل فرایندهای کرسی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره در دانشگاهها و سطح‌بندی بیشتر آنها برای پذیرش ایده‌ها و بحثهای انتقادی با سطوح مختلف کیفی؛
 - پرورش جسارت علمی برای ورود به عرصه‌های جدید علمی در حوزه علوم انسانی و تقویت روحیه انتقادی و پرسشگری نسبت به نظریات متعارف علوم انسانی.
- پیشنهادها برای پژوهشهای آتی و ادامه مسیر و توسعه پژوهش حاضر عبارتند از:
- انجام این تحقیق در دانشگاههای دیگر و مقایسه آنها با یکدیگر؛
 - نوع‌شناسی ذهنیتهای دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی؛
 - بررسی نگرش اساتید هیئت علمی هر یک از دانشگاههای کشور نسبت به مقوله تحول در علوم انسانی.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و سید محمدحسین کاظمینی (۱۳۹۴). «درآمدی بر نظریه مدیریت تحول در علوم انسانی (با تأکید بر نقش محوری عوامل جامعه‌شناختی)». *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۸۲: ۹۴-۵۷.
- ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۶). «علوم انسانی اسلامی، تیپ‌بندی رویکردها و بررسی راه‌ها با تأکید بر جامعه‌شناسی». *راهبرد فرهنگ*، دوره دهم، ش ۳۷: ۱۲۴-۹۷.
- اسدی‌نسب، محمدعلی (۱۳۹۵). «ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی». *قیاسات*، ش ۲۱(۸۲): ۱۶۸-۱۴۳.
- بستان، حسین (۱۳۸۴). گامی به سوی علم دینی؛ ساختار علم تجربی و امکان علم دینی، ج ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۳). *در جستجوی علوم انسانی اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). «علوم انسانی: چیستی، ساخت‌ها و فرایندهای تحول در آن». *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۱: ۳۳-۷.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). *فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)*. قم: حکمت نوین اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین و رضا میرزایی (۱۳۸۹). «چیستی انسان‌شناسی». *انسان‌پژوهی دینی*، ش ۷(۲۴): ۵۶-۳۵.
- داوری علی و آرش رضازاده (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن (بی‌تا). *سخنرانی تلویزیونی*. قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/q57412>
- زمانیا، حسین (۱۳۹۳). «روش فلسفی ابن سینا، الگویی برای تحول در علوم انسانی». *حکمت سینوی (مشکوه‌النور)*، سال هیجدهم: ۹۵-۷۹.
- سعدآبادی، علی‌اصغر؛ زهره رحیمی‌راد و حسین عظیم‌زاده (۱۳۹۹). «ماهیت و فرایند آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی». *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۱۹: ۵۴-۳۳.
- سوزنچی، حسین (۱۳۸۹). «امکان علم دینی؛ بحثی در چالشهای فلسفی اسلامی‌سازی علوم انسانی». *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۴: ۶۰-۳۱.
- سوزنچی، حسین (۱۳۸۸). *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۸). «دفاع از تحول در علوم انسانی؛ سه خطا در بومی‌سازی علوم اجتماعی». رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۸۱: ۹-۱۰.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۳). مبانی علوم انسانی اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
- عبدی، اسماعیل (۱۳۹۱). «طراحی و تبیین الگوی تدوین خط مشی ملی تحول در علوم انسانی». مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ش ۱: ۱۹۲-۱۵۵.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۱). «اسلامی‌سازی علوم انسانی؛ امکان یا امتناع جریان‌شناسی رویکردهای گوناگون در حوزه‌های علمیه». علوم انسانی اسلامی صدر، ش ۴-۵: ۲۴۲-۲۵۷.
- قلی‌پور، حسین و علیرضا چیت‌سازیان (۱۳۹۶). «ابعاد و مؤلفه‌های تحول در علوم انسانی در اندیشه مقام معظم رهبری و دلالت‌های آن بر علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی». راهبرد فرهنگ، ش ۳۷: ۹۷-۱۲۴.
- قبری باغستان، عباس (۱۳۹۲). «به سوی تدوین یک چارچوب فرآیندی برای اسلامی‌سازی علوم انسانی». نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۴: ۲۴-۱.
- کاویانی، محمد (۱۳۸۷). «رابطه مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری در نگرش‌های مذهبی دانشجویان». مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۲(۳): ۱۲۷-۱۱۳.
- کریمی بنادکوک، محمود (۱۳۹۶). «مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی اسلامی در قرآن کریم». مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱۰(۲): ۲۶۲-۲۳۱.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی الزامات مدیریت تحول علوم انسانی مبتنی بر مدیریت راهبردی اسلامی». تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۱: ۸۳-۱۱۴.
- محقق، جواد و محمدعلی میرعلی (۱۳۹۷). «راهبردهای تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی در اندیشه متفکران انقلاب اسلامی؛ با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری و آیت‌الله مصباح یزدی». همایش بازرخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۹۵). پارادایم اسلامی تولید علم: رهیافتی به تولید علم اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: آوای نور.
- مقیمی فیروزآباد، معصومه و عباس عباس‌پور (۱۳۹۱). «لزوم تحول در علوم انسانی در حوزه مدیریت راهبردی از منظر اسلام». نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.
- مقیمی، محمد (۱۳۹۶). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: راه‌دان. چ پنجم.
- مهدوی آزادبُنی، رمضان (۱۳۹۱). «علم‌زدگی و بحران در علوم انسانی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۵۰، ۱۶(۱): ۸۷-۱۰۲.

- Abdi, Ismail (2012). "Design and explanation of the model for developing the national policy of transformation in humanities". *Studies of the pattern of Iranian Islamic progress*, 1: 155-192.
- Asadinasab, Mohammad Ali (2016). "The necessity of Islamization of human sciences from the perspective of the Qur'an in the view of Allameh Tabatabai". *Qobsat Quarterly*, 21(82): 143-168.
- Azarbaijani, Massoud & S.M.H Kazemini (2015). "An introduction to the theory of change management in human sciences (with emphasis on the central role of sociological factors)". *Methodology of Human Sciences*, No. 82: 57-94.
- Bostan, Hossein (2005). **A step towards religious science; the structure of empirical science and the possibility of religious science**, Vol. 1, Qom: Howze and University Research Institute.
- Davari, Ali & A. Rezazadeh (2014). **Structural Equation Modeling with PLS Software**. Tehran: Publisher: Jihad Academic Publishing Organization.
- Ebrahimipour, Qasim (2017). "Islamic Humanities, typology of approaches and examination of solutions with an emphasis on sociology". *Culture strategy*, Vol 10, No. 37: 97-124.
- Forati, Abdul Wahab (2012). "Islamization of humanities; the possibility or refusal of the flow of various approaches in seminaries". *Sadra Islamic Humanities*, No. 4-5: 242-257.
- Ghanbari Baghestan, Abbas (2013). "Towards developing a Tran's theoretical framework for the Islamization of humanities". *Social Theories of Muslim Thinkers*, 4: 1-24.
- Gudarzi, Gholamreza (2015). "Prioritizing the requirements of humanities transformation management based on Islamic strategic management". *Basic research of humanities*, 1: 83-114.
- Karimi Benadkoki, Mahmoud (2017). "Anthropological foundations of Islamic humanities in the Holy Quran". *Bi-Quarter Scientific Research Journal of Qur'an and Hadith Studies*, 10(2): 231-262.
- Kaviani, Mohammad (2008). "The relationship between cognitive, emotional and behavioral components in students' religious attitudes". *Bi-quarterly scientific-specialized Islamic studies and psychology*, 2(3): 113-127.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2014). "Human sciences: what it is, areas and processes of evolution in it". *Quarterly Journal of Basic Human Sciences Research*, 1: 7-33.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2014). **In search of Islamic humanities**. Qom: Ma'arif Publishing House.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2013). **Philosophy of Human Sciences (Theoretical Foundations)**. Qom: Hikmat Navin Islami.
- Khosropanah, Abdul Hossein & R. Mirzaei (2010). "What is anthropology?" *Religious Anthropology*, 7(24): 35-56.
- Mahdavi Azadboni, Ramadan (2012). "Scientism and crisis in humanities". *Epistemological studies in Islamic University*, 50, 16(1): 87-102.

- Marzooqi, Rahmat Elah (2016). **The Islamic paradigm of science production: an approach to the production of Islamic science of education**. Tehran: Avai Noor Publishing House.
- Moghimi Firozabad, Masoumeh & A. Abbaspour (2012). **"The necessity of transformation in humanities in the field of strategic management from the perspective of Islam"**. International Congress of Islamic Humanities; No 1.
- Moghimi, Mohammad (2017). **Principles of organization and management**. Tehran: Rahdan Publishing House. Fifth Edition.
- Mohaghegh, Javad & M.A. Mir Ali (2018). **"Strategies of transformation and Islamization in the thought of Islamic revolution thinkers; emphasizing the view of Supreme Leader and Ayatollah Misbah Yazdi"**. *Conference: Rereading the scientific and cultural works of the Islamic Revolution of Iran*.
- Qolipour, Hossein, Chitsazian, Alireza (2017). **"Dimensions and components of transformation in humanities in the thought of the Supreme Leader and its implications for the desirable humanities of the Islamic Republic"**. *Culture strategy*, issue 37: 97-124.
- Rahimpour Azghadi, Hassan (No Date). **Lecture broadcast on TV**. Accessible at: <https://b2n.ir/q57412>
- Saad Abadi, Aliasghar; Z. Rahimirad & H. Azimzadeh (2019). **"The nature and process of future research in Islamic humanities"**. *Humanities Basic Research Quarterly*, 19: 33-54.
- Sharifi, Ahmad Hossein (2014). **Basics of Islamic humanities**. Tehran: Aftab **Toseh** Publications.
- Shujaei Zand, Alireza (2019). **"Defending the transformation in humanities; three errors in the localization of social sciences"**. *The growth of social science education*, No. 81: 9-10.
- Suzanchi, Hossein (2009). **"Meaning, possibility and solutions for the realization of religious science"**. *Research Institute of Cultural and Social Studies*.
- Suzanchi, Hossein (2010). **"The possibility of religious knowledge; a discussion on the philosophical challenges of Islamization of humanities"**. *Social Cultural Knowledge*, No. 4: 31-60.
- Zamaniha, Hossein (2014). **"Ibn Sina's philosophical method, a model for evolution in human sciences"**. *Two scientific-research quarterly magazines of Hekmat Sinavi (Mashkat Al Noor)*: 79-95.